



شیعه پژوهی

فصل نامه علمی - پژوهشی

سال دوم، شماره هشتم، پاییز ۱۳۹۵



صاحب امتیاز: دانشگاه ادیان و مذاهب (دانشکده شیعه‌شناسی)

مدیر مسئول: سید ابوالحسن نواب

سر دبیر: محمدحسن نادم

مدیر داخلی: محمدرضا ملانوری



هیئت تحریریه:

دانشیار دانشگاه ادیان و مذاهب	علی آقانوری
دانشیار مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)	محمدرضا جباری
دانشیار جامعة المصطفی العالمیة	نعمت‌الله صفری فروشانی
دانشیار مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی	اسحاق طاهری
استاد و پژوهشگر تاریخ و کلام اسلامی	نجم‌الدین مروجی طبسی
استاد و پژوهشگر حوزه و دانشگاه	رضا مختاری
استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب	محمدحسن نادم
استاد و پژوهشگر تاریخ اسلام	محمدهادی یوسفی غروی



مشاوران علمی:

مسعود اقبالی، عباس برومند اعلم، حمیدرضا شریعتمداری، نعمت‌الله صفری فروشانی، محمد غفوری نژاد، محسن فتاحی اردکانی، سیدعلی موسوی نژاد، محمدحسن محمدی مظفر، محمدرضا ملانوری، محمدحسن نادم، سیدعلیرضا واسعی.



ویراستار: زینب فروزفر

ویراستار چکیده‌های انگلیسی: محسن محصل یزدی

طراح جلد: شهرام بردبار

صفحه‌آرا: سید جواد میرقیصری

بر اساس مصوبه شماره ۲۱۴ جلسه شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی وابسته به شورای عالی حوزه‌های علمیه مورخ ۹۵/۱۰/۱۵ فصل‌نامه شیعه‌پژوهی از شماره سوم حائز رتبه علمی- پژوهشی گردید این فصل‌نامه در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) نمایه شده است و از طریق پایگاه WWW.NOORMAGS.IR نیز قابل مشاهده و دریافت است.

نشانی: قم، شهرک پردیسان، مقابل مسجد امام صادق (ع)، دانشگاه ادیان و مذاهب

صندوق پستی: ۳۷۱۸۵/۱۷۸، تلفن: ۱۳-۳۲۸۰۲۶۱۰-۳۲۸۰۲۶۲۷، دورنگار: ۳۲۸۰۲۶۲۷

نشانی اینترنتی: Shia.urd.ac.ir، پست الکترونیک: shiapazhoohi@urd.ac.ir

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۷۵.۰۰۰ ریال

شاپا: ۴۱۲۵-۲۴۲۳

کاوشی در آمار نامه‌های کوفیان برای دعوت از امام حسین (علیه السلام)

حسین قاضی خانی*

[تاریخ دریافت: ۹۵/۰۷/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۹/۱۵]

چکیده

دعوت کوفیان از امام حسین(ع) برای آمدن به کوفه یکی از مقاطع حساس حرکت امام حسین(ع) است. آگاهی از نامه‌های ارسالی کوفیان برای دعوت از امام حسین(ع) از مسائل تاثیرگذار بر تحلیل چگونگی مواجهه امام(ع) با دعوت کوفیان است. از این مسئله در آثار نگارش یافته درباره حرکت امام حسین(ع)، علی‌رغم ارائه آمار متفاوت از نامه‌های کوفیان، اغلب به اجمال گذر می‌شود. این نوشتار در تلاش است تا با کاوش در گزارش‌های متون کهن تاریخی و استقرا و بررسی داده‌های مرتبط با دعوت کوفیان از امام حسین(ع)، آماری از تعداد نامه‌های کوفیان ارائه دهد. ضمن این بررسی، از سیر نگارش نامه‌ها و توجه به متن و نگارندگان نامه‌ها نیز غفلت نشده است. در بررسی گزارش‌های متون کهن، آمار نامه‌های کوفیان به امام حسین(ع) از پنجاه‌وچند نامه فراتر نمی‌رود؛ نامه‌هایی که بیشتر آنها از جانب چند نفر بوده است.

کلیدواژه‌ها: امام حسین(ع)، نامه، کوفه، شیعیان، کربلا، قیام.

مقدمه

مسئله قیام امام حسین(ع) با دعوت کوفیان چنان پیوندی دارد که برای شناخت حرکت امام ناگزیر باید جوانب مختلف این پیوند را بررسی کرد. دعوت کوفیان از امام حسین(ع) برای رفتن به شهر کوفه از مسائل مهمی است که در آثار فراوان با رویکردهای مختلف به آن توجه شده است. نامه‌های کوفیان در قیام امام حسین(ع) مسئله‌ای نیست که با ارایه گزارش‌های اجمالی آن‌چنان که در بسیاری نگاشته‌ها مشاهده می‌گردد، بتوان از آن عبور کرد؛ زیرا تحلیل مسایل بسیاری از این قیام مانند علت و چرایی دعوت کوفیان از امام و چگونگی مواجهه امام با دعوت کوفیان و سرانجام چرایی حرکت امام حسین(ع) به جانب عراق در گرو بررسی این نامه‌هاست. اینکه چه تعداد نامه، از سوی چه کسانی و با چه متنی برای امام ارسال شده است، شناخت بهتری از فضای کوفه در ماجرای حرکت امام حسین(ع) می‌دهد و می‌تواند به فهم بهتر چگونگی تعامل امام حسین(ع) با دعوت کوفیان کمک کند. از آنجا که داده‌های مرتبط با دعوت کوفیان از امام حسین(ع) در منابع کهن پراکنده است، لذا شایسته است با استقرا و بررسی این گزارش‌ها در منابعی که به این مسئله پرداخته‌اند، شناخت مناسبی از آمار نامه‌ها، نام و نشان نگارندگان و مراحل نامه‌نگاری‌ها به دست آورد تا با تحلیل این اطلاعات، فهم کامل‌تری از جایگاه کوفه در قیام امام حسین(ع) حاصل آید.

شایان ذکر است که بازنمایی وقایع تاریخی به آسانی میسر نمی‌شود؛ زیرا به دلیل نبودن نقش آفرینان و شاهدان واقعه، تکیه بر گزارش‌ها، محور اصلی بازنمایی خواهد بود. گزارش‌ها را آسیب‌هایی تهدید می‌کند که موجب خدشه‌دار شدن اعتبار آن گزارش می‌شود.

بحث ارایه آمار و ارقام در تاریخ، یکی از بزنگاه‌های آسیب گزارش‌ها است؛ زیرا اگر بتوان با اتکا به شواهد از آمادگی درست اولیه درباره واقعه اطمینان حاصل کرد، اما اموری مانند توجه‌نکردن به آمار، امکان تصحیف در نگارش رقم‌ها، حبّ و بغض‌های گزارش‌گران و...، اعتماد بر آمار تاریخی را با احتیاط همراه می‌کند. در این باره می‌توان به برخی آمارها از کشتگان نبرد بنی‌قریظه و صفین اشاره کرد که دقت در اموری مانند شرایط جغرافیایی حادثه، تعداد کل افراد حاضر در واقعه و توجه به پیامدهای اجتماعی، اعتماد بر این گزارش‌ها را با تردید مواجه می‌کند (صادقی، ۱۳۸۲: ۱۸۴-۱۸۷). در مقاله

«بررسی جمعیت حاضر در غدیر» می‌توان نمونه‌ای از کاوش در آمارهای تاریخی را دید (نک: امام، ۱۳۸۶: ۵-۴۲). به‌رحال بررسی این نوع مباحث به دلیل تأثیر آن در تحلیل وقایع کربلا، به دقت بیشتری نیاز دارد.

خبر امتناع امام حسین(ع) از بیعت با یزید و بیرون آمدن حضرت از مدینه و اقامت در مکه، در دل کوفیان که مدت‌ها تحت ظلم کارگزاران بنی‌امیه بودند، نور امید پیدید آورد و از امام حسین(ع) دعوت کردند تا به کوفه بیاید. دینوری از آغازین شور پیدیدآمده در میان کوفیان درباره این مسئله به اجمال چنین گزارش می‌کند که چون خبر مرگ معاویه و حرکت امام حسین(ع) به سوی مکه، به کوفیان رسید، گروهی از شیعیان در منزل سلیمان بن سرد اجتماع کردند و توافق کردند نامه‌ای برای امام حسین(ع) بنویسند و از او بخواهند به سوی ایشان بیاید (دینوری، ۱۳۶۸: ۲۲۹). طبری و شیخ مفید با متنی واحد که برگرفته از منبعی مشترک است تفصیل بیشتری از این واقعه در اختیار می‌نهند:

چون خبر هلاکت معاویه به مردم کوفه رسید و از ماجرای بیعت نکردن امام(ع) و حرکتش به سوی مکه، آگاهی یافتند، شیعیان در منزل سلیمان بن سرد خزاعی گرد آمدند و از مرگ معاویه سخن گفتند. سلیمان زمام سخن را به دست گرفت و گفت: «به راستی که معاویه به هلاکت رسید و امام حسین(ع) از بیعت با آنان خودداری کرده و به جانب مکه رهسپار شده است. اگر در خود می‌بینید که او را یاری دهید و با دشمنانش نبرد کنید، برایش نامه بنویسید و اگر بیم دارید که سست و پراکنده شوید، او را به خود امیدوار نکنید» (طبری، ۱۳۸۷: ۵-۳۵۱-۳۵۲؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲/۳۶).

آنگاه چون اهل مجلس به یاری امام حسین(ع) بانگ برآوردند و از فدا کردن جان خود گفتند، بنا شد با نگارش نامه، حضرت را به کوفه دعوت کنند. پس در همان مجلس نامه‌ای نگارش یافت که در طلوعه آن چنین نوشته شد: «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، به حسین بن علی، از جانب سلیمان بن سرد، مَسِیْبِ بْنِ نَجْبَةَ، رَفَاعَةَ بْنِ شَدَّادٍ، حَبِیْبِ بْنِ مَظَاهِرٍ و شیعیان او از مؤمنان و مسلمانان کوفه». سپس به جانب امام حسین(ع) ارسال شد (طبری، ۱۳۸۷: ۵/۳۵۲). به فاصله کوتاه چند روز نامه‌های بسیار دیگری نوشته و به سوی امام روانه شد (همان)؛ به گونه‌ای که دینوری از خورجین نامه‌ها سخن می‌گوید

(دینوری، ۱۳۶۸: ۲۲۹) و یعقوبی فضای رسیدن نامه‌های اهل عراق را این گونه ترسیم کرده است که پیک‌ها پشت سر هم به جانب امام حسین (ع) روانه بودند (یعقوبی، بی تا، ۲/۲۴۱). درحالی که عموم منابع تنها از تعداد نامه‌ها و چگونگی ارسال آنها سخن می‌گویند. ابن‌اعثم و خوارزمی به این نکته نیز اشاره دارند که در مجلس منزل سلیمان، قرار شد به نامه‌ای عمومی اکتفا نشود و شیعیان نامه‌هایی جداگانه به جانب امام (ع) ارسال کنند (ابن‌اعثم، ۱۴۱۱: ۲۷/۵؛ خوارزمی، ۱۴۲۳: ۱/۲۸۱-۲۸۲).

آمار نامه‌ها در منابع متأخر

در منابع متأخر مانند *مقتل‌الحسین* به خامه محمدتقی آل بحرالعلوم (بحرالعلوم، ۱۴۰۵: ۱۵۲)، *اعیان‌الشیعه* به قلم سید محسن امین (امین عاملی، ۱۴۰۳: ۵۸۹/۱)، *منتهی‌الأمال* نگارش شیخ عباس قمی (قمی، ۱۳۷۹: ۷۱۱/۲)، *مقتل‌الحسین* اثر عبدالرزاق مقررّم (مقررّم، ۱۴۲۶: ۱۴۴) و *ریاض‌الابرار* نگاهشته جزایری (جزایری، ۱۴۲۷: ۲۰۸/۱) از دوازده هزار نامه کوفیان به امام حسین (ع) سخن به میان آمده است.

با بررسی بیشتر می‌توان رد این نقل را در *مثیر‌الاحزان* اثر ابن‌نمای حلی (ابن‌نمای حلی، ۱۴۰۶: ۲۶) و سرانجام کتاب *الأنهوف علی قتل‌الطفوف* (ابن‌طاووس، ۱۳۴۸: ۳۵) جست؛ اما پرسش اینجا است که آیا در منابع کهن هم به این آمار اشاره شده است یا حداقل می‌توان شواهدی بر تقویت و پذیرش این آمار یافت.

تصریح‌نکردن منابع کهن به آمار نهایی نامه‌ها

به جز کتاب *المصابیح* (کتابی از زیدیان) که از نامه‌های کوفیان با عدد تقریبی هشتصد مکتوب یاد کرده است (ابن‌حسن، ۱۴۲۳: ۳۶۱)، در دیگر منابع کهن آماری از تعداد نامه‌ها یافت نمی‌شود. البته دینوری در دو بحث از فراوانی نامه‌ها به اندازه خورجینی یاد کرده است؛ یکی هنگام سخن گفتن از رسیدن نامه‌های کوفیان به دست امام حسین (ع) در مکه (دینوری، ۱۳۶۸: ۲۲۹) و دیگری هنگامی که حضرت در مواجهه با لشگریان حرّ، از آمدن خود به کوفه به سبب نامه‌های کوفیان سخن گفت و حرّ از نامه‌ها اظهار بی‌اطلاعی کرد، لذا امام خواست خورجین نامه‌ها را به او نشان دهند (همان: ۲۴۹). ماجرای نشان دادن خورجین نامه به حرّ و سپاهیان را بلاذری (بلاذری، ۱۴۱۷: ۳/۱۷۰)،

طبری (طبری، ۱۳۸۷: ۴۰۲/۵) و ابن اعثم (ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۷۸/۵) نیز گزارش کرده‌اند. همچنین ابن عبدربه نیز در نقل گزارشی از دیدار امام حسین (ع) و ابن مطیع (ابن عبدربه، ۱۳۶۵: ۳۷۶/۴)، به فراوانی نامه‌ها اشاره کرده است. اما از توصیف فراوانی نامه‌ها به اندازه یک خورجین، نمی‌توان آماری از تعداد آنها استخراج کرد؛ زیرا از حجم خورجین نامه‌ها اطلاعی در دست نیست و همچنین مشخص نیست که مکتوبات کوفیان بر چه چیزی بوده است و هر نامه چه حجمی داشته است. این اطلاعات می‌توانند فقط مستندی بر فراوانی نامه‌ها باشند.

سیر نگارش و تعداد نامه‌ها در منابع کهن

منابع اولیه از دو دیدگاه ارسال نامه‌های کوفیان به امام (ع) را گزارش کرده‌اند؛ برخی گزارش‌گران نامه‌ها را از منظر ارسال آنها از جانب کوفیان نقل کرده‌اند و دسته دیگر از لحاظ زمان رسیدن نامه‌ها به امام که در هر دو صورت تفاوتی در اصل مسئله پدید نمی‌آید و هر دو ناظر به یک مسئله است. بر اساس گزارش‌های متون کهن سیر نگارش و ارسال نامه‌های کوفیان به جانب امام حسین (ع) را می‌توان این‌گونه دسته‌بندی کرد:

نخستین نامه

در پی اجتماع شیعیان در منزل سلیمان بن سرد، پس از سخنرانی وی و هم‌عهدی شیعیان بر یاری امام حسین (ع)، در همان مجلس نامه نخست نگارش می‌یابد. همان‌طور که گفته شد، این اولین نامه‌ای بود که از کوفه به سوی امام روانه شد. منابع روایی متن این نامه را چنین نقل کرده‌اند:

درود بر شما، همانا ما خداوند یگانه را حمد می‌گوییم. اما بعد، ستایش خدایی را که دشمن جبار و سرکش تو را در هم شکست؛ دشمنی که در بدی کردن بر این امت، شتاب کرد و زمام امور را به زور به دست گرفت، ثروت‌های عمومی را غصب کرد و بدون رضایت امت بر آنان حکومت کرد. آنگاه بهترین‌های امت را به شهادت رساند و اشرار را رها کرد و ثروت الهی را میان ثروت‌مندان و زورمداران قسمت کرد؛ از رحمت خداوند دور باد، چنان‌که ثمود دور شدند! اینک ما پیشوایی نداریم. به سوی ما روی آور! امید است که خداوند ما را به

واسطه شما بر محور حقیقت گرد آورد. نعمان بن بشیر در قصر حکومتی است، ولی ما در نماز جمعه و مراسم عید او حاضر نمی شویم. اگر به ما خبر رسد که شما به سمت ما می آید، او را از قصر بیرون می کنیم تا به شام رود. درود و سلام خدا بر شما باد.

ابن قتیبه دینوری در الامامه و السیاسة (دینوری، ۱۴۱۰: ۸-۷/۲)، بلاذری در انساب الاشراف (بلاذری، ۱۴۱۷: ۱۵۷/۳-۱۵۸)، طبری در کتاب تاریخ خود (طبری، ۱۳۸۷: ۳۵۲/۵)، شیخ مفید در الارشاد (مفید، ۱۴۱۳: ۳۷/۲)، ابن شهر آشوب در المناقب (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۸۹/۴) و سید بن طاووس در الالهوف (ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۳۳-۳۴) همگی بر این محتوا هم داستان هستند. علاوه بر اینها باید از ابن اعثم یاد کرد که متن ذکر شده را با اندکی جابه جایی واژگان و اندکی مطالب اضافه چنین آورده است:

اما بعد، ستایش خدایی را که دشمن تو و دشمن پدرت را در هم شکست؛ آن جبار سرکش غاصب ستمگر را که این امت را نابود و پراکنده ساخت و بدون رضایت شان بر آنان حکومت کرد. آنگاه نیکان امت را کشت و اشرار را باقی گذاشت؛ از رحمت خداوند دور باد چنان که نمود دور شدند! به ما خبر رسیده که فرزند ملعون او، بدون مشورت و اجماع امت و با ناآگاهی از حدیث ها به حکومت نشسته است. ما به همراه شما نبرد می کنیم و جانمان را در راه شما فدا می سازیم. به سمت ما بیا، با سرور و شادمانی، در امنیت و برکت، استوار و آقا، فرمانده فرمان بردار، امام و پیشوای هدایت پیشه؛ چراکه ما را امام و امیری جز نعمان بن بشیر نیست؛ او در قصر حکومتی تنها و منزوی است. کسی در نماز جمعه و مراسم عید او حاضر نمی شود و خراج به وی نمی پردازد. او فرا می خواند ولی کسی جوابش نمی دهد. فرمان می دهد ولی کسی اطاعتش نمی کند. اگر به ما خبر رسد که شما به سمت ما می آیی، او را بیرون می کنیم تا روانه شام شود. پس به سوی ما بشتاب. امید است خداوند ما را به واسطه شما بر محور حق جمع گرداند. سلام و رحمت و برکت خدا بر تو ای پسر رسول خدا (ص) و نیرویی جز از جانب خداوند برتر و بزرگ نیست (ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۲۸/۵).

کاوشی در آمار نامه‌های کوفیان برای دعوت از امام حسین (علیه‌السلام) / ۱۰۱

خوارزمی نیز در *مقتل الحسین* متن ابن‌اعثم را بازنگاری کرده است (خوارزمی، ۱۴۲۳: ۲۸۲/۱).

علاوه بر هم‌داستانی در متن، در نام نگارندگان نامه نیز اتفاق نظر وجود دارد. نام سلیمان بن صرد، مسیب بن نجبه، رفاعه بن شداد و حبیب بن مظاهر به عنوان سران شیعی کوفه در کنار عنوان کلی «گروهی از شیعیان امام»، در تمامی گزارش‌ها ذکر شده است (بلاذری، ۱۴۱۷: ۱۵۷/۳؛ طبری، ۱۳۸۷: ۳۵۲/۵؛ مفید، ۱۴۱۳: ۳۶/۲-۳۷)؛ با این تفاوت که در برخی متون علاوه بر این افراد نام عبدالله بن وال نیز دیده می‌شود (ابن‌اعثم، ۱۴۱۱: ۲۷/۵؛ ابن‌طاووس، ۱۳۴۸: ۳۳).

این نامه به دست عبدالله بن سبیع (سبع) همدانی و عبدالله بن وال تیمی^۱ سپرده شد تا به سرعت نامه را به امام برسانند و این دو، ده روز گذشته از رمضان سال ۶۰ هجری قمری در مکه بر امام وارد شدند و نامه را تسلیم کردند (بلاذری، ۱۴۱۷: ۱۵۸/۳؛ دینوری، ۱۳۶۸: ۲۲۹؛ طبری، ۱۳۸۷: ۳۵۲/۵).

در گزارش‌های موجود به تعداد افرادی که تحت عنوان کلی «شیعیان امام» یاد شده‌اند یا احتمالاً نامه را مهر کرده‌اند، اشاره‌ای نشده است و لذا امکان آگاهی از تعداد دعوت‌کنندگان یا احتمالاً مهرزندگان این نامه هم متفی است. در گزارش جلسه منزل سلیمان نیز آماری از شرکت‌کنندگان ارایه نشده است تا با کمک آن بتوان به آمار نگارندگان نامه پی برد.

از آنجا که منابع تأکید دارند نامه از سوی سران شیعه برای دعوت از امام حسین (ع) نگارش یافته بود و در متن نامه نیز عنوان شیعیان امام قید شده است، لذا شکی نیست که نگارندگان اولین نامه در زمره شیعیان بوده‌اند.

نکته درخور توجه در این نامه علاوه بر نمود بیشتر آن نسبت به دیگر نامه‌ها و جایگاه نگارندگان آن در کوفه، محتوای آن است که ضمن صحنه نهادن بر اعتقادات شیعی نویسنندگان نامه، نمایی از وضعیت شیعیان را در کوفه ترسیم کرده است.

نامه‌های سری دوم

نقل شده است اهل کوفه پس از رهسپار کردن قاصدان نامه اول، دو روز صبر کردند و سپس نامه‌هایی را به همراه قیس بن مسهر صیداوی و عبدالرحمن بن عبدالله ارحبی و

عُمارة بن عبد (عبید) سلولی به جانب امام حسین (ع) ارسال کردند؛ در حالی که هر نامه از جانب یک تا چهار نفر بود (بلاذری، ۱۴۱۷: ۱۵۸/۳؛ طبری، ۱۳۸۷: ۳۵۲/۵؛ مفید، ۱۴۱۳: ۳۷/۲-۳۸).

به نظر می‌رسد نگارش این سری از نامه‌ها بنا به سفارش سلیمان بن صرد بوده است که اولین نامه را جمعی از شیعیان در منزلش به امام حسین (ع) نوشتند. او از شیعیان درخواست کرد تا به همین نامه بسنده نکنند و با نامه‌های جداگانه دیگری امام حسین (ع) را به کوفه دعوت کنند (ابن‌اعثم، ۱۴۱۱: ۲۷/۵؛ خوارزمی، ۱۴۲۳: ۲۸۱/۱-۲۸۲). پیک‌های حامل این نامه‌ها پس از رسیدن نامه اول به دست امام در دهم رمضان سال ۶۰ هجری در مکه درحالی‌که روز دهم هنوز به پایان نرسیده بود، به حضور امام شرفیاب شدند و نامه‌ها را به حضرت تحویل دادند (دینوری، ۱۳۶۸: ۲۲۹؛ ابن‌اعثم، ۱۴۱۱: ۲۹/۵).^۲

بلاذری و دینوری تعداد نامه‌های ارسالی این چند نفر را پنجاه نامه دانسته‌اند (بلاذری، ۱۴۱۷: ۱۵۸/۳؛ دینوری، ۱۳۶۸: ۲۲۹) و طبری از پنجاه‌وسه نامه یاد کرده است (طبری، ۱۳۸۷: ۳۵۲/۵). ابن‌اعثم، مفید، ابن‌شهر آشوب و سید بن طاووس نیز از حدود صد و پنجاه نامه سخن به میان آورده‌اند (ابن‌اعثم، ۱۴۱۱: ۲۹/۵؛ مفید، ۱۴۱۳: ۳۷/۲-۳۸؛ ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۹۰/۴؛ ابن‌طاووس، ۱۳۴۸: ۳۴-۳۵).

از متن این نامه‌ها به دلیل تعدادشان جز آنکه طلب کرده بودند تا امام به جانب ایشان رود (ابن‌اعثم، ۱۴۱۱: ۲۹/۵؛ ابن‌طاووس، ۱۳۴۸: ۳۵)، اطلاعی دیگری در دست نیست. از نام و نشان نویسندگان نامه نیز سخنی به میان نیامده است و آماری از تعداد دعوت‌کنندگان نیز وجود ندارد؛ فقط بیان شده که هر نامه از جانب یک، دو، سه یا حداکثر چهار فرد بوده است و چون در تعداد نامه‌ها اختلاف است و از تعداد نامه‌ها و دعوت‌کنندگان هر نامه، سخنی به میان نیست، نمی‌توان آمار نسبی از تعداد نگارندگان نامه‌ها به دست داد.

در پاسخ به این‌که چگونه می‌شود تعداد نامه‌ها از پنجاه یا پنجاه و اندی، به حدود یکصد و پنجاه نامه ارتقا داده شود، می‌توان احتمال داد از آن‌جا که آورده‌اند هر نامه از طرف یک الی چهار نفر بوده است، در منابع نخستین که عدد پنجاه محور گزارش آنهاست توجه به عدد نامه‌ها بوده است و در منابع بعدی که از عددی حدود یکصد و پنجاه یاد گردیده است آمار تقریبی دعوت‌کنندگان با تعداد نامه‌ها خلط شده باشد.

کاوشی در آمار نامه‌های کوفیان برای دعوت از امام حسین (علیه‌السلام) / ۱۰۳

اطلاعاتی درباره باور دینی نگارندگان این سری از نامه‌ها در اختیار نیست؛ اما با توجه به این احتمال که این نامه‌ها به درخواست سلیمان بن سرد به عنوان یکی از سران شیعه در کوفه، نگارش یافته‌اند و با توجه به اینکه نامه‌ها به سرعت نگارش یافته و پیک‌ها با فاصله دو روز از ارسال اولین نامه گسیل شده‌اند، می‌توان مدعی شد که این نامه‌ها را شیعیان برای امام حسین (ع) نوشته‌اند. زیرا شیعیان بودند که اولین واکنش را به امتناع امام حسین (ع) از بیعت با یزید نشان دادند و خواستار حضور حضرت در کوفه شدند. پیک‌های حامل این نامه‌ها نیز در زمره شیعیان امام حسین (ع) شمرده شده‌اند (بلاذری، ۱۴۱۷: ۱۵۹/۳، ۱۶۷ و ۱۹۶).

نامه‌های سری سوم

بعد از اولین نامه و نامه‌های سری دوم، نامه‌ای دیگر را هانی بن هانی سبعی و سعید بن عبدالله حنفی به دست امام حسین (ع) رساندند (دینوری، ۱۳۶۸: ۲۲۹). در متن این نامه که ظاهراً دو روز پس از حرکت پیک‌های نامه‌های سری دوم، آماده و به همراه دو پیک یادشده به جانب امام گسیل شده بود، آمده است: «بسم‌الله الرحمن الرحیم. به حسین بن علی از طرف شیعیانش از مؤمنان و مسلمانان. اما بعد، به سوی ما بشتاب. به راستی که مردم انتظار شما را می‌کشند و نظری به غیر شما ندارند. پس بشتاب، بشتاب. درود بر شما» (بلاذری، ۱۴۱۷: ۱۵۸/۳؛ طبری، ۱۳۸۷: ۳۵۳/۵؛ مفید، ۱۴۱۳: ۳۸/۲).

در اینجا دو نکته حائز اهمیت است؛ اول آنکه دینوری می‌گوید پنجاه نامه همراه این دو پیک بوده است (دینوری، ۱۳۶۸: ۲۲۹)؛ درحالی‌که دیگر گزارش‌گران چنین مطلبی نقل نکرده‌اند (بلاذری، ۱۴۱۷: ۱۵۸/۳؛ طبری، ۱۳۸۷: ۳۵۳/۵؛ مفید، ۱۴۱۳: ۳۸/۲) و محتوای گزارش‌های ایشان گویای به همراه داشتن یک نامه است. شاید با توجه به گزارشی که از متن نامه شده است، بتوان وجود تنها یک نامه را پذیرفت؛ زیرا توجه به متن و گزارش محتوای نگاشته‌ها در گزارش‌های تاریخی، زمانی امکان منطقی می‌یابد که تعداد نامه‌ها انگشت شمار باشد. به عبارت دیگر فقط زمانی محتوای یک نامه نمود می‌یابد که آن نامه منفرد و شناخته‌شده باشد. شاهدی بر این احتمال در دست نیست که نامه از سوی سرشناسان بوده، لذا متن آن آورده شده و به ذکر آمار بقیه نامه‌ها بسنده شده است. همچنین نمی‌توان احتمال داد که متن تمامی نامه‌ها یکسان بوده تا متن

آورده شده در گزارش را متن تمامی نامه‌ها در نظر گرفت. البته از آنجا که در گزارش‌ها به نگارش جمعی این نامه اشاره شده است، اینکه سخن دینوری ناظر به تعداد مهرکنندگان آن نامه باشد، امری دور از ذهن نخواهد بود. دومین نکته آن است که متن این نامه در الفتوح فرازهای دیگری نیز دارد (ابن‌اعثم، ۱۴۱۱: ۲۹/۵) که به احتمال بسیار آمیخته با متن نامه‌ای دیگر باشد که در ادامه اشاره خواهد شد.

یعقوبی (یعقوبی، بی تا: ۲۴۱/۲-۲۴۲)، طبری (طبری، ۱۳۸۷: ۳۵۳/۵)، ابن‌اعثم (ابن‌اعثم، ۱۴۱۱: ۲۹/۵) و مفید (مفید، ۱۴۱۳: ۳۸/۲) این نامه را از آخرین سری نامه‌هایی می‌دانند که کوفیان برای دعوت از امام به کوفه نگاشته‌اند؛ اما دینوری آخرین نامه‌ای را که در این مقطع زمانی به امام می‌رسد نامه‌ای از شَبَّث بن ربیع و جمعی از سران کوفه معرفی می‌کند (دینوری، ۱۳۶۸: ۲۲۹).

همان‌گونه که در متن نامه مشاهده شد نگارندگان این نامه در زمره شیعیان بوده و نامه را قاصدان شیعی برای امام می‌برند (طبری، ۱۳۸۷: ۴۱۹/۵؛ مفید، ۱۴۱۳: ۹۲/۲؛ حلی، ۱۴۱۱: ۱۹۵/۱).

نامه‌ای از غیر شیعیان

در میان نامه‌های رسیده از جانب کوفیان به امام حسین (ع) در مکه، نامه‌ای از جانب شَبَّث بن ربیع، حَجَّار بن أبجر، یزید بن حارث، عروه (عزره) بن قیس، عمرو بن حجاج، قیس بن اشعث و محمد بن عمیر بن عطارد مشاهده می‌شود که درباره زمان رسیدن آن به دست امام و محتوای نامه اختلافاتی دیده می‌شود.

دینوری (دینوری، ۱۳۶۸: ۲۲۹)، بلاذری (بلاذری، ۱۴۱۷: ۱۵۸/۳-۱۵۹)، طبری (طبری، ۱۳۸۷: ۳۵۳/۵) و شیخ مفید (مفید، ۱۴۱۳: ۳۸/۲) این نامه را جداگانه گزارش کرده‌اند و متن آن را چنین آورده‌اند که: «آستانه شهر سرسبز است و میوه‌ها رسیده و آب‌ها فراوان اند. پس هرگاه اراده کردی بر لشکری آماده فرود آی» (بلاذری، ۱۴۱۷: ۱۵۸/۳-۱۵۹؛ طبری، ۱۳۸۷: ۳۵۳/۵؛ مفید، ۱۴۱۳: ۳۸/۲)؛ اما ابن‌اعثم و سید بن طاووس این متن را در ادامه متن نامه سوم گزارش کرده (ابن‌اعثم، ۱۴۱۱: ۲۹/۵؛ ابن‌طاووس، ۱۳۴۸: ۳۵-۳۶) و ادامه داده‌اند که چون این نامه به امام حسین (ع) رسید و حضرت از توافق کنندگان بر آن نامه پرسیدند، در پاسخ نام شَبَّث، حَجَّار و آن دیگران را شنیدند (ابن‌اعثم، ۱۴۱۱: ۳۰/۵؛ ابن‌طاووس، ۱۳۴۸: ۳۶).

شواهدی جدا بودن این نامه از نامه سوم را تقویت می‌کنند؛ نخست آنکه در مطلع نامه سوم، نامه از جانب افرادی ذکر شده است که ادعای شیعه بودن دارند و خود را شیعه امام حسین (ع) می‌خوانند، درحالی‌که افرادی امثال شبت، حجاج و دیگر نویسندگان این نامه، در زمره شیعیان نیستند. دوم آنکه متن نامه‌ها نشان از نوع نگاه نویسندگان به امام دارد؛ در نامه اول از انتظار کشیدن و نظر نداشتن به فرد دیگری جز امام سخن به میان است، درحالی‌که در نامه دوم نشانی از دل‌بستگی به امام و انتظار کشیدن قدمش دیده نمی‌شود. سوم آنکه در روز عاشورا امام شبت و افراد مذکور را خطاب قرار می‌دهد که مگر شما برای من ننوشته بودید: «میوه‌ها رسیده و همه جا سبز شده و جویبارها، پر و لبریز شده‌اند. بیا که بر لشکری مجهز و آراسته درمی‌آیی؟» (بلاذری، ۱۴۱۷: ۱۸۸/۳؛ طبری، ۱۳۸۷: ۴۲۵/۵) در این سخنان ذکری از متن نامه دوم نیست. چهارم آنکه متن گزارش تلفیقی دو نامه در *الفتوح و اللّهوف* به گونه‌ای است که گویا امام با دیدن این نامه و شنیدن این اسامی تصمیم به پاسخ‌گویی گرفته است. درحالی‌که طبق این دو منبع، به هنگام رسیدن نامه‌های قبلی کوفیان، امام تنها نامه‌ها را قرائت می‌کرد و پاسخی نمی‌داد (ابن‌اعثم، ۱۴۱۱: ۲۹/۵؛ ابن‌طاووس، ۱۳۴۸: ۳۵-۳۶). خاصه آنکه گزارش ابن‌اعثم پاسخ دهی امام را تنها به خوابی که امام حسین (ع) دیده بود مستند می‌سازد که باید در جای خود بررسی شود. درحالی‌که در منابع دیگر پاسخ‌گویی امام به نامه‌های کوفیان روال منطقی‌تری دارد. نامه‌ها در دو روز پیاپی به دست امام رسید، لذا وقتی آورندگان نامه‌ها نزد امام در مکه جمع شدند، حضرت از آنها درباره مردم و خواسته‌هایشان سؤال کرد و سپس نامه‌ای در جواب نامه‌های کوفیان نوشت (بلاذری، ۱۴۱۷: ۱۵۹/۳؛ طبری، ۱۳۸۷: ۳۵۳/۵؛ مفید، ۱۴۱۳: ۳۸/۲).

البته به سبب شباهت نام آورنده‌ای که دینوری برای این نامه بیان کرده است، (دینوری، ۱۳۶۸: ۲۲۹) با نام آورندگان نامه سوم، خلط دو نامه یا همراه بودن این نامه با بیک‌های نامه سوم محتمل است. اما نباید این نامه با نامه‌های پیشین هم‌ردیف انگاشته شود زیرا تمامی نویسندگان این نامه از اشراف قبائل کوفه و از حامیان امویان بوده‌اند (بلاذری، ۱۴۱۷: ۱۷۸/۳؛ دینوری، ۱۳۶۸: ۲۲۹، ۲۳۸ و ۲۳۹؛ طبری، ۱۳۸۷: ۴۲۵/۵).

نامه‌های دیگر

نامه‌هایی که تاکنون ذکر شد بدان سبب که از نویسندگان، متن نامه یا آورندگان نام و نشانی وجود دارد، در منابع نمود بارزتری یافته‌اند. اما می‌توان در منابع شواهدی بر وجود نامه‌های دیگری نیز یافت که چون بسان نامه‌های قبلی نشانه‌هایی برای معرفی ندارند، از نگاه‌ها دور مانده‌اند.

یکی از این نامه‌ها نامه‌ای است که بلاذری، طبری و شیخ مفید بدان اشاره کرده‌اند و در آن نامه کوفیان به امام نوشتند که ما با شما هستیم و همراه ما صد هزار شمشیر است (بلاذری، ۱۴۱۷: ۲۲۴/۳). طبق گزارش بلاذری و طبری زمان نگارش این نامه قبل از فرستاده شدن مسلم به سوی کوفه برداشت می‌شود (همان؛ طبری، ۱۳۸۷: ۳۹۱/۵)، درحالی‌که شیخ مفید نگارش این نامه را در دوران حضور مسلم در کوفه و بیست و هفت روز قبل از شهادت او دانسته است. علاوه بر این، شیخ مفید گزارش می‌کند که این نامه همراه با نامه مسلم به سوی امام فرستاده شده و متن نامه را هم چنین آورده است: «همانا اینجا برای تو صد هزار شمشیر است، پس تاخیر مکن» (مفید، ۱۴۱۳: ۷۱/۲).

طبری در گزارشی از عمار بن معاویه دهنی هنگامی که از او خواسته بود چگونگی رخ دادن واقعه کربلا را برایش توضیح دهد، می‌نگارد که پیک‌های اهل کوفه به نزد حسین رسید که: «ما برای تو خودمان را نگاه داشته‌ایم و همراه والی نماز نمی‌گزاریم، پس بر ما قدم گذار» (طبری، ۱۳۸۷: ۳۴۷/۵). این گزارش را در قرون بعدی ابن جوزی (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۳۲۵/۵) و عسقلانی (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ۶۹/۲) بازنگاری کرده‌اند. اگر پذیرفته شود که این متن برداشت راوی نبوده و به متن نامه اشاره می‌کند، می‌توان آن را نیز متن نامه‌ای دیگر در نظر گرفت.

سبط بن جوزی از واقعی نقلی چنین دارد که:

چون امام حسین (ع) در مکه مستقر شد و مردم کوفه اطلاع یافتند، نامه‌هایی به او نوشتند که ما برای تو خودمان را نگاه داشته‌ایم و با این والیان نماز نمی‌گزاریم. به جانب ما بیا که ما صد هزار نفریم. به راستی که میان ما ظلم و جور علنی است و به غیر دستور قرآن و سنت پیامبر (ص) در بین ما عمل می‌شود و امیدواریم که خداوند به وسیله شما ما را بر محور حق گرد آورد و

کاوشی در آمار نامه‌های کوفیان برای دعوت از امام حسین (علیه‌السلام) / ۱۰۷

به وسیله شما ظلم را از ما برطرف کند. زیرا تو از یزید و پدر یزید که سرپرستی امت را غصب کرده بودند سزاوارتری؛ یزیدی که باده‌گساری می‌کند و با میمون و ساز و آواز سرگرم است و دین را بازیچه خود قرار داده است. از جمله کسانی که نامه نوشته بودند: سلیمان بن صرد، مسیب بن نجبه و شخصیت‌های دیگر کوفه بودند (ابن جوزی، ۱۴۱۸: ۲۱۵).

با مقایسه این گزارش با متن موجود از نامه‌های پیشین به نظر می‌رسد این متن، درهم‌کردی از متن نامه‌های پیشین است که اگر برداشت‌های واقدی و سبط بن جوزی در آن ورود پیدا نکرده باشد می‌توان قسمت‌هایی از این متن را که در نامه‌های گذشته دیده نشد، بخش‌های دیگر از این نامه‌ها به حساب آورد، به ویژه دو نامه ذکر شده اخیر به دلیل شباهت بخش‌هایی از آن. همچنین می‌توان این متن را از نامه‌هایی دیگر که تنها به آمار آنها اشاره شده و ذکری از متن آنها به میان نیامده است، به شمار آورد.

بررسی نهایی آمار نامه‌ها

چنان‌که گذشت بر اساس داده‌های منابع کهن، تعداد نامه‌های ارسالی کوفیان به جانب امام حسین (ع) را تنها می‌توان پنجاه و چند دانست. هرچند در لُهوف در میان گزارش از نامه‌های سری دوم و سوم از رسیدن ششصد نامه در یک روز به دست امام سخن رفته است (ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۳۵)؛ اما مستندی بر این ادعا ارائه نشده و در گزارش‌های منابع کهن‌تر نیز ذکری از آن به میان نیامده است. البته از آنجا که این قسمت از متن گزارش بعد از رسیدن نامه‌های سری دوم است، می‌توان احتمال داد بخشی از این نامه‌ها همان نامه‌های پیش‌گفته باشند، ولی به هر حال بخش اعظم آن فقط در نقل سید بن طاووس آمده است. صاحب المصابیح نیز از آمار هشتصد نامه سخن گفته است (ابن حسن، ۱۴۲۳: ۳۶۱) در حالی که این سخن نیز با داده‌های دیگر منابع کهن تأیید نمی‌شود.

نتیجه

بررسی سیر نگارش نامه‌های ارسالی به جانب امام حسین (ع) از سوی کوفیان

و دعوت حضرت برای آمدن به کوفه و آگاهی از وضعیت نگارندگان این نامه‌ها نشان می‌دهد که هرچند منابع کهن در فراوانی نامه‌ها هم‌داستان هستند، اهمتامی برای ذکر آمار مجموع نامه‌ها نداشته‌اند. بر اساس بررسی و تحلیل داده‌های منابع کهن حداقل می‌توان از پنج نوبت نامه‌نگاری کوفیان با حضرت سخن به میان آورد. داده‌های موجود بر آنند که این نامه‌نگاری‌ها در هر نوبت به صورت نگارش نامه‌ای واحد و دعوت جمعی بوده است و تنها در نوبت دوم، نگارش نامه‌ها به صورت جداگانه و دعوت فردی صورت گرفته است؛ نامه‌هایی که مجموع آن‌ها از پنجاه و چند نامه فراتر نمی‌رود. بر این اساس سخن گفتن از عدد مجموع دوازده‌هزار نامه که در کتاب *الأنهوف* بدان اشاره شده است، با توجه به داده‌های موجود در این منابع، نامحتمل است و شواهدی بر تقویت و پذیرش آن وجود ندارد. خاصه آنکه به سبب مشابهت متن گزارش لهوف با گزارش‌های دیگر منابع، پذیرش دو مطلب رسیدن ششصد نامه در یک روز و جمع شدن حدود دوازده‌هزار نامه نزد امام به آسانی امکان‌پذیر نیست. شایان ذکر است به دلیل شرایط قبیله‌ای حاکم بر آن عصر می‌توان تناسب نداشتن دوازده‌هزار نامه با تعداد بزرگان و سران عشیره‌های هر قبیله را هم مطرح کرد؛ زیرا با توجه به فرهنگ قبیله‌ای نیازی به نامه‌نگاری تک‌تک افراد نبوده است و امضای بزرگ یک عشیره می‌توانست به معنای حمایت همه افراد خاندان وی به حساب آید.

البته با توجه به جایگاه علمی سیدبن طاووس و احتمال اشتباه در استنساخ‌ها، به نظر می‌رسد باید با بررسی نسخه‌ها، ابتدا از وجود این دو فقره اضافه در نُسخ دیرین این کتاب یقین حاصل کرد، آنگاه با تتبعی مضاعف مستندات آن را شناسایی کرد؛ زیرا احتمال دارد آمار نامه‌ها با رقم دوازده‌هزار کوفی بیعت‌کننده با مسلم به نقل طبری (طبری، ۱۳۸۷: ۳۴۹/۵)، خلط شده باشد که این خود کاوشی دیگر را در مجاللی دیگر می‌طلبد. نکته آخر آنکه انتساب نگارش هجده‌هزار نامه از سوی کوفیان به ابن‌سعد که در برخی مقالات مشاهده می‌گردد (رنجبر، ۱۳۸۴: ۵۲)، به ظاهر متشابه شدن آمار بیعت کوفیان با مسلم (ابن‌سعد، ۱۴۱۸: ۴۵۸/۱۰-۴۵۹) با آمار نگارندگان نامه به امام حسین (ع) باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. دینوری به جای عبدالله بن‌وال از عبدالله بن‌وداک سلمی، و ابن‌اعثم به جای وی از عبدالله بن‌مسمع کبری نام می‌برند؛ درحالی‌که این افراد در تاریخ نام و نشان چندانی ندارند (دینوری، ۱۳۶۸: ۲۲۹؛ ابن‌اعثم، ۱۴۱۱: ۲۸/۵).

۲. ابن‌اعثم نام عبدالله بن‌وال را به عنوان پیک نامه دوم ذکر کرده است؛ درحالی‌که دیگران وی را رساننده نامه اول برشمرده‌اند. نقش داشتن او در رساندن هر دو سری نامه‌ها هم به دلیل کوتاهی فاصله زمان ارسال آنها امکان‌پذیر نیست.

منابع

- ابن‌اعثم، احمدبن‌علی (۱۴۱۱). *الفتوح*، بیروت: دارالأضواء.
- ابن‌جوزی، سبط (۱۴۱۸). *تذکره الخواص*، قم: منشورات الشریف الرضی.
- ابن‌جوزی، عبدالرحمن‌بن‌علی (۱۴۱۲). *المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن‌حجر عسقلانی، احمدبن‌علی (۱۴۱۵). *الاصابه فی تمییز الصحابه*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن‌حسن، احمدبن‌ابراهیم (۱۴۲۳). *المصابیح*، صنعاء: مکتبه الامام زیدبن‌علی.
- ابن‌سعد، محمد (۱۴۱۸). *الطبقات الکبری*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن‌شهر آشوب مازندرانی، محمدبن‌علی (۱۳۷۹). *المناقب*، قم: علامه.
- ابن‌طاووس، علی‌بن‌موسی (۱۳۴۸). *التهوف علی قتلی الطفوف*، تهران: جهان.
- ابن‌عبد‌ربیع، احمدبن‌محمد (۱۳۶۵). *العقد الفرید*، بی‌جا: مطبعه لجنه التالیف و الترجمة و النشر.
- ابن‌نما حلی، جعفربن‌محمد (۱۴۰۶). *مثیر الاحزان*، قم: مدرسه الامام المهدی (عج).
- ادینوری، ابن‌قتیبه (۱۴۱۰). *الإمامه و السیاسه*، بیروت: دارالأضواء.
- امام، سیدجلال (۱۳۸۶). «بررسی تعداد جمعیت حاضر در غدیر»، *فصلنامه تاریخ در آینه پژوهش*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، سال ششم، شماره ۱۶، صص ۴-۴۲.
- امین‌عاملی، سید محسن (۱۴۰۳). *اعیان‌الشیعه*، بیروت: دارالتعارف.
- بحرالعلوم، محمدتقی (۱۴۰۵). *مقتل‌الحسین*، بیروت: دارالزهراء.
- بلاذری، احمدبن‌یحیی (۱۴۱۷). *انساب‌الاشراف*، بیروت: دارالفکر.
- جزایری، سید نعمت‌الله (۱۴۲۷). *ریاض‌الابرار فی مناقب الأئمه الأطهار*، بیروت: مؤسسه تاریخ العربی.
- حلی، حسن‌بن‌یوسف (۱۴۱۱). *رجال‌العلامه الحلی*، قم: دارالذخائر.
- خوارزمی، موفق‌بن‌احمد (۱۴۲۳). *مقتل‌الحسین*، قم: أنوارالهدی.
- دینوری، ابوحنیفه (۱۳۶۸). *الاخبار الطوال*، قم: رضی.
- رنجبر، محسن (۱۳۸۴). *عاشورا در آینه آمار و ارقام*، فصلنامه تاریخ در آینه پژوهش، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، سال پنجم، شماره ۱۰، صص ۵۱-۸۴.
- صادقی، مصطفی (۱۳۸۲). *پیامبر(ص) و یهود حجاز*، قم: بوستان کتاب.

- طبری، محمدبن جریر (١٣٨٧). *تاریخ الامم و الملوك*، بیروت: دارالتراث.
قمی، عباس (١٣٧٩). *منتهی الآمال فی تواریخ النبی و الآل*، قم: دلیل ما.
مفید، محمدبن محمد (١٤١٣). *الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، قم: کنگره شیخ مفید.
مقرّم، عبدالرزاق (١٤٢٦). *مقتل الحسين*، بیروت: مؤسسه الخرسان للمطبوعات.
یعقوبی، احمدبن ابی یعقوب (بی تا). *تاریخ الیعقوبی*، قم: اهل بیت.